

## **The place and symbolic role of Qalamdan (pen box) in the context of Qajar social history**

**Mohammad Moeinadini\***

### **Abstract**

Objects and works of art can narrate the history and lifestyle of the people of their historical period. Among these objects is Qalamdan (pen box) had an important function and role in the social and cultural system of the Qajar era. During the Qajar era, the lifestyle of many Iranians, especially the literate class, was associated with Qalamdan. From the social point of view, Qalamdan represented more than anything the social class of the Mirzas, who were considered as the few literate people of Qajar era. Beyond that, the Qalamdan was a symbolic sign of the dignity and status of its owners in the Qajar political sphere. At the highest level, it was a sign of chancellery and was considered one of the exquisite royal gifts; But as we get closer to the end of the Qajar era, with the change of cultural and social patterns, especially the change in the lifestyle and cultural patterns of the society, this object gradually lost its value and symbolic significance and joined history along with many other cultural objects.

**Keywords:** Persian Lacquered painting, Qalamdan (pen box), Qajar Art, Daily Life.

\* Assistant professor of Department of Painting, Soore University, Tehran, Iran, m.moeinadini@soore.ac.ir

Date received: 2023/05/20, Date of acceptance: 2023/08/20



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار

محمد معین‌الدینی\*

### چکیده

اشیاء و آثار هنری هر دوره می‌توانند راوی تاریخ و سبک زندگی مردمان آن دوره باشند. از جمله این اشیاء قلمدان است که کارکرد و جایگاه مهمی در متن زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان دوران قاجار داشت. از این رو مسئله این پژوهش واکاوی نقش قلمدان در متن زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در عصر قاجار است، اینکه چگونه می‌توان از طریق بررسی جایگاه و کاربرد قلمدان‌های لاک‌ی در میان اقشار مختلف جامعه ایران، بخشی از تاریخ و سبک زندگی مردمان آن دوران را روایت کرد. آنچه با کنکاش در گزارش‌ها و شواهد تاریخی به آن پرداخته می‌شود. طی دوران قاجار به شکل قابل توجهی سبک زندگی ایرانیان باسواد و صاحب‌منصب با قلمدان پیوند می‌خورد. از بعد اجتماعی قلمدان بیش از هر چیز نمایانگر طبقه اجتماعی میرزاها بود. از سوی دیگر قلمدان به شکلی نمادین در سپهر سیاسی قاجار نشانی از شأن و اعتبار و مقام بود؛ جز هدایای سلطنتی نفیس و در بالاترین سطح نشانه صدارت بود؛ اما هرچه به پایان دوران قاجار نزدیک می‌شویم با تغییر الگوهای فرهنگی و اجتماعی به‌خصوص تغییرات سبک زندگی، به تدریج این شیء ارزش‌ها و دلالت‌های نمادین خودش را از دست داد و به‌مانند بسیاری اشیای فرهنگی به تاریخ پیوست.

**کلیدواژه‌ها:** قلمدان، نقاشی لاک‌ی، زندگی روزمره، هنر قاجار.

\* استادیار، گروه نقاشی، دانشگاه سوره، تهران، ایران، moeinadini@soore.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

پی‌یر بوردیو (Pierre Bourdieu) (1930 – 2002) اشیا را دارای آدابی می‌داند که «سلسله‌مراتبشان را شبیه سلسله‌مراتب اشخاص می‌کند» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۷۶۷) به این معنی که در نظام اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اشیا واجد نقشی فراتر از وجه کاربردی صرف می‌شوند و ارزش‌هایی به‌دست می‌آورند که جایگاه آن‌ها را در متن اجتماع و فرهنگ به شکل‌های مختلفی تعریف می‌کند. به عبارت بهتر اشیا برای خود دارای تاریخی می‌شوند که همانند تاریخ اشخاص دربرگیرنده اوج و فرود می‌شوند؛ بنابراین هر شیء جدا از وجه کاربردی، نسبت به بستر فرهنگی و اجتماعی که در آن قرار می‌گیرد از وجوه نمادین متفاوتی برخوردار می‌شود که به آن شیء تشخیص می‌دهند. بخش مهمی از این تشخیص شیء در گروهی رابطه معناداری است که بین شیء و نحوه مصرف آن نزد مصرف‌کنندگان به وجود می‌آید و اینجاست که آن شیء با هویت و جایگاه اجتماعی مصرف‌کننده خود پیوند می‌خورد؛ بنابراین می‌توان گفت ارتباط میان شیء و کسانی که از آن استفاده می‌کنند، نوعی نظام ارزش‌گذاری و مشروعیت بخشی به وجود می‌آورد که شیء موردنظر را به یک نشانه و گاه به نماینده آشکار یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ در میدان گسترده و متنوع اجتماعی تبدیل می‌کند. ازجمله متغیرهای مهمی که در ارزش نمادین شیء نقش دارد، بستر و شرایط فرهنگی و تاریخی خاصی است که آن شیء در آن قرار می‌گیرد. به این معنی که در بسیاری موارد، معنا و ارزشی که برخی از اشیا پیدا می‌کنند رابطه مستقیم با خاستگاه تاریخی و فرهنگی آن‌ها دارد؛ منظور از خاستگاه تاریخی و فرهنگی، نظامی از قواعد و ارزش‌های مادی و معنوی است که مرز مشروعیت، معنادار بودن و ارزش‌های مادی و نمادین اشیاء را تأمین می‌کند. البته این شرایط نسبت به هر دوره تاریخی و در فضای گفتمان‌های متعدد فرهنگی و حیات اجتماعی مردمان همان دوره تاریخی متفاوت است و همین است که گاه برخی مفاهیم و ارزش‌ها نسبت به بسترهای متفاوت فرهنگی یا تاریخی به‌گونه‌ای دیگر فهم می‌شوند. خلاصه اینکه هستی برخی از اشیا را می‌توان نسبت به یک دوره تاریخی و شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص به نحوی متفاوت تفسیر کرد و حتی گاه آن‌ها را مختص یک دوره تاریخی خاص در نظر گرفت. یکی از این اشیاء نیز که به‌ویژه در دوران قاجار نسبت محکمی با تاریخ اجتماعی و هنر ایران برقرار می‌کند قلمدان است. ابزاری برای یکجا جمع کردن ادوات نگارش که به‌واسطه نحوه استفاده و مخاطبانی که در دوران قاجار داشت جایگاه مهمی در تاریخ اجتماعی ایران دارد.

قلمدان به واسطه ارتباطی که با نگارش پیدا می‌کند، از دیرباز دارای دلالت‌های نشانه‌ای زیادی در تاریخ و فرهنگ ایران بوده است اما از میانه دوران صفویه به بعد و به‌ویژه در عهد زند و قاجار جایگاه ویژه‌ای در متن زندگی اجتماعی ایرانیان پیدا کرد، به‌گونه‌ای که از خلال آن می‌توان بخشی از تاریخ اجتماعی ایرانیان آن دوران را بازخواند. در واقع در محدوده زمانی مورد مطالعه این پژوهش قلمدان بیش از یک شیء کاربردی، ذخیره‌ای ارزشمند از ویژگی‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی زمان خودش به حساب می‌آید و گرایش عمومی به داشتن قلمدان به‌ویژه در میان طبقات باسواد جامعه باعث شکل‌گیری یک نظام فرهنگی - نشان‌شناختی و زیبایی‌شناختی در متن زندگی اجتماعی مردم و اشتغال برخی از مهم‌ترین هنرمندان ایران به ساخت و نقاشی روی قلمدان شد. آنچه منجر به رواج صنعت/هنری پررونق در برهه‌ای از تاریخ ایران شد و به شکل‌گیری گروهی از آثار شاخص هنری ایران انجامید، به‌طوری‌که برخی از چهره‌های سرشناس تاریخ نقاشی ایران مانند آقا زمان، آقا صادق، آقا نجف یا علی اشرف را با آن می‌شناسند. تعداد زیاد قلمدان‌های باقی‌مانده و کیفیت بالای آن‌ها در کنار توجه هنرپژوهان به این شیء نشان از اهمیت آن در تاریخ اجتماعی و هنر ایران دارد. از این‌رو این مقاله بر آن است تا به قلمدان و جایگاه آن در میان جامعه ایرانیان عهد قاجار بپردازد و نسبت میان این شیء را با هویت و طبقه اجتماعی مردمان عصر قاجار مطالعه کند، با این هدف که بتواند از خلال نحوه استفاده از قلمدان و جایگاهی که در زندگی ایرانیان داشت بخشی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی عصر قاجار را بازخوانی کند.

## ۱.۱ بیان مسئله

صنعت/هنر قلمدان‌سازی و قلمدان‌نگاری به‌عنوان زیرمجموعه هنرهای لاک‌ی، یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های هنری عصر قاجار است. قلمدان‌نگاری به‌عنوان زیرمجموعه هنرهای لاک‌ی، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های هنری ایران به حساب می‌آید. اینکه چرا حجم تولید قلمدان در دوران قاجار فزونی گرفت دلایل متعددی دارد که عموماً نزد مورخان هنر با عواملی چون رکود مصورسازی کتاب در دربارها، پیدایی حامیان جدید از میان دولتمندان شهری و اهمیت موقعیت حرفه‌ای نقاش ارتباط پیدا می‌کند (پاکباز، ۱۳۹۰: ۳۸۵). این دسته از پژوهشگران با اشاره‌ای گذرا به تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر این باورند که با رکود کتاب‌آرایی ایرانی از نیمه دوران صفوی به بعد، گونه‌های جدید نقاشی پدید می‌آیند که نقاشی روی قلمدان‌های لاک‌ی نیز از آن جمله هستند. برای نمونه آژند (۱۳۹۵) می‌نویسد

رونق بیشتر نقاشی لاک‌ی و مینایی در این دوره معلول انحطاط کتاب‌آرایی بود. هنرمندانی مانند مهرعلی، میرزا بابا، سید میرزا و عبدالله خان، قلم‌موی خود را دیگر در نگاره‌ها به کار نگرفتند بلکه به‌جای آن در نقاشی‌های لاک‌ی و مینایی و رنگ‌روغن به‌کار بستند (۸۱۶).

شیلا کن‌بای نیز در دلایل گرایش به قلمدان‌نگاری در کتاب نقاشی ایرانی می‌نویسد: «با شروع نقاشی در ابعاد بزرگ و نیز ورود چاپ سنگی به ایران برخی از معتبرترین نگارگران سده سیزدهم به جلدهای لاک‌ی و قلمدان‌سازی رو آوردند» (کن‌بای، ۱۳۸۲: ۱۲۵). این در صورتی است که ساخت آثار لاک‌ی بسیار زودتر از ورود چاپ سنگی به ایران شرع شده و رونق پیدا کرده بود. از دیدگاه تاریخی نقطه‌ضعف این اظهارنظرها این است که به‌راحتی از بسترهای اجتماعی و سلیقه عمومی در ارتباط با گرایش به قلمدان‌نگاری می‌گذرند و عمدتاً تمرکز خود را به زیبایی‌شناسی تحول‌ژانرهای هنری معطوف می‌کنند؛ اما همان‌طور که در مقدمه بیان شد، قلمدان در دوران قاجار فراتر از یک شیء کاربردی و زیبایی‌شناختی دربرگیرنده استعاره‌های مفهومی و نمادین متعددی در بین اقشار مختلف اجتماعی و فرهنگی عصر قاجار بود؛ بنابراین مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که چنانچه بخواهیم رواج قلمدان‌نگاری را معلول تحولات اجتماعی بدانیم، چه عوامل اجتماعی و فرهنگی باعث شد تا گرایش به قلمدان‌نگاری شدت بگیرد یا به‌عبارت‌دیگر قلمدان‌های لاک‌ی پاسخ‌گوی چه نیازهای اجتماعی بودند و از چه وجوه نمادین و مفهومی برخوردار بودند؟

## ۲.۱ پیشینه

بیشتر پژوهش‌هایی که به قلمدان‌های لاک‌ی پرداخته‌اند بیش از هر چیز بر جنبه‌های تاریخ هنری و وجوه زیبایی‌شناختی آن‌ها تمرکز کرده‌اند. عمده این پژوهش‌ها پیرامون شناسایی هنرمندان، طبقه‌بندی نقوش و ویژگی‌های سبکی و فرمی انواع قلمدان‌های لاک‌ی است. درزمینه پژوهش‌های تاریخی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است از جمله شایسته فر و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی اجتماعی حضور رنان در قلمدان‌های قاجاری در مجموعه ناصر خلیلی» با رجوع به قلمدان‌های مجموعه ناصر خلیلی به بررسی انواع فعالیت‌های زنان در نقاشی روی این قلمدان‌ها پرداخته‌اند، ایشان ضمن تأیید محدودیت‌های اجتماعی برای رنان در عصر قاجار، با استناد به تصاویر روی قلمدان‌ها، نقش کمرنگ زنان در برخی فعالیت‌های اقتصادی روستایی و عشایری را موردبررسی قرار داده‌اند. از دیگر پژوهش‌ها مقاله «تأثیر فعالیت

مسیونرهای مسیحی بر مصورسازی قلمدان‌های عصر ناصری» از لعل شاطری و دهکردی (۱۳۹۵) است که نویسندگان با اتکا به فعالیت مسیونرهای مذهبی در دوران ناصری، استناد به تصویرگری موضوعات مسیحی مانند تولد مسیح (ع) یا غسل تعمید و هم‌چنین مقایسه بین ساختار نقاشی‌های مذهبی اروپایی با نقاشی‌های روی قلمدان‌ها نتیجه می‌گیرند که مبلغان مذهبی آن روزگار در ترغیب نقاشان عصر ناصری در پرداختن به موضوعات مسیحی نقش داشته‌اند. نقد جدی‌ای که از نظر تاریخی به پژوهش‌هایی از این دست وارد است عدم ارائه مستندات تاریخی کافی به‌ویژه رجوع به سفرنامه‌ها و خاطرات است در صورتی که این دسته از منابع بیش از هر منبع دیگری راوی تاریخ و اوضاع و احوالات اجتماعی مردم عصر قاجار و سبک زندگی ایشان است.

در حوزه تاریخ اجتماعی نیز هرچند به‌صورت گذرا اهمیت و کارکرد اجتماعی قلمدان‌ها از نظر پژوهشگران دور نبوده است اما کمبود تحقیقات جدی دیده می‌شود. از منابع پر استناد در این زمینه کتاب «قلمدان و سایر صنایع روغنی ایران» نوشته کریم‌زاده تبریزی (۱۳۷۹) است که متمرکز بر شیوه ساخت انواع قلمدان روغنی یا لاک‌ی و هم‌چنین دسته‌بندی نقاشی‌ها و مضامین روی قلمدان‌ها و معرفی برخی از آثار هنرمندان صاحب سبک این هنر است. این کتاب در کنار مجموعه سه‌جلدی «احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی» به‌مانند دایره‌المعارفی از هنرمندان تاریخ نقاشی ایرانی از جمله قلمدان‌نگارهاست و در اکثر پژوهش‌های مرتبط به آن‌ها ارجاع می‌شود. از دیگر منابع معتبر و مهم مرتبط با قلمدان‌های لاک‌ی، جلد هشتم از مجموعه ده‌جلدی هنر اسلامی ناصر خلیلی (۱۳۸۶) به ویراستاری جولیان رابی است. در این کتاب ابتدا به تاریخ شیوه لاک‌ی پرداخته شده است و به دنبال آن بخش‌هایی نیز به هنرمندان برجسته قلمدان‌ساز و نمونه کارهای آن‌ها اختصاص داده شده است. در همین مجلد هم‌چنین محققانی مانند منیژه بیانی و ملکبان شیروانی اشاره‌های محدودی به برخی زمینه‌های تاریخ اجتماعی قلمدان‌های لاک‌ی قاجار کرده‌اند که عمده منابع آن‌ها کتاب تاریخ تهران از جعفر شهری (۱۳۷۶)، مجموعه کتاب‌های کریم‌زاده تبریزی و از خارجیان، سفرنامه‌های معدودی از جمله سفرنامه کنت دو روش‌شوار (Julien Comte de Rochechouart (1831-1879)) (۱۳۸۷) است. در صورتی که منابع متعدد دیگری هم وجود دارد که حاوی اطلاعات بیشتر و جامع‌تری از کارکرد و نقش قلمدان در متن زندگی اجتماعی ایرانیان عصر قاجار هستند. البته نباید از نظر دور داشت عمده تمرکز این کتاب بر ارزش‌های هنری و تکنیکی نقاشی روی قلمدان‌های لاک‌ی است که یکی از اهداف آن معرفی مجموعه غنی و

ارزشمند گنجینه هنر اسلامی ناصر خلیلی است. مشابه این نمونه کتاب‌ها می‌توان به کتاب محمدتقی احسانی (۱۳۶۸) با عنوان جلدها و قلمدان‌های ایرانی اشاره کرد که نسبت به منابع بالا اطلاعات قابل توجهی را در اختیار نمی‌گذارد.

وجه تمایز این پژوهش با نمونه‌های قبلی تمرکز بر تاریخ اجتماعی دوران قاجار و جایگاه قلمدان در سپهر فرهنگی و سیاسی این دوران است، با هدف که با استناد به شاهد و مستندات دیده نشده در پژوهش‌های دیگر، ارزش‌های نمادین این شیء را در متن زندگی روزمره مردم طبقات مختلف اجتماعی ایران عصر قاجار را بازخوانی کند؛ که با رجوع به اسناد تاریخی و سفرنامه‌ها و خاطرات صورت می‌گیرد.

## ۲. قلمدان: مرور تاریخی

استفاده از قلمدان پیشینه‌ای کهن در ایران دارد، ماهیت جدا بودن ابزار نوشتار اعم از قلم و قلم‌تراش و مرکب و دوات باعث می‌شد تا همواره شیئی به نام قلمدان برای گردآوری این ابزار در کنار هم وجود داشته باشد. سوای روایت‌های تاریخی و ادبی که از قلمدان نام برده‌اند، نمونه قلمدان‌های باقی‌مانده از دوره‌های مختلف تاریخی، شاهدهی بر کاربرد و اهمیت این شیء در ادوار مختلف تاریخ ایران است؛ به‌طور مشخص یکی از دوران اوج استفاده از قلمدان از نیمه دوران صفوی به بعد و عمدتاً پیامد فراگیر شدن قلمدان‌های لاک‌ی است که با نام‌های قلمدان‌های مقوایی یا روغنی هم شناخته می‌شوند. ویژگی بارز این قلمدان‌ها استفاده از لاک برای پوشانیدن سطح آن‌ها بود که هم جلای خاصی به آن‌ها می‌داد و هم بر مقاومت آن‌ها می‌افزود.

استفاده از لاک برای ساخت اشیاء پیشینه‌ای طولانی دارد ولی گسترش آن بیشتر به اواخر قرن نهم هجری قمری (۱۵ میلادی) و ساخت جلدهای لاک‌ی در دربار سلطان حسین بایقرا در هرات برمی‌گردد (خلیلی، ۱۳۸۶: ۹). از این دوران به بعد تکنیک ساخت جلدها و اشیا لاک‌ی توسعه پیدا می‌کند و مجموعه‌ای از اشیای کاربردی مانند قاب و جعبه و قلمدان را در برمی‌گیرد، به‌طوری‌که قدیمی‌ترین نمونه قلمدان لاک‌ی نیز متعلق به همان عصر تیموری است که در مجموعه ناصر خلیلی نگهداری می‌شود (کریم زاده تبریزی، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

به تدریج از اوایل قرن ۱۲ هجری قمری (۱۸ میلادی) یعنی مقارن با نیمه دوم حکمرانی شاهان صفوی بود که ساخت و تزیین قلمدان‌های لاک‌ی به نحو چشمگیری گسترش پیدا کرد.



این دوران مقارن با توسعه روابط با غرب و تمایل به الگو گرفتن از نقاشی‌های اروپایی موسوم به فرنگی‌سازی است. از سوی دیگر گرایش روزافزون به استفاده از مقوا برای ساخت اشیاء تحول‌جدیدی در صنایع دستی به وجود می‌آورد که شکوفایی نقاشی‌های زیر لاک‌ی را به‌همراه دارد. به‌طور مشخص زمان شاه‌عباس اول شروع رونق گرفتن این صنعت/هنر بود؛ حتی براساس یک روایت غیر مستند سید حسین بن مرتضی استرآبادی در «تاریخ سلطانی» شاه‌عباس را مخترع قلمدان می‌داند و می‌نویسد «و از مخترعات آن اعلیحضرت قلمدان و مقراض قلمدان که حالیه معمول است» (حسینی استرآبادی ۱۳۶۶: ۱۳۴)؛ این روایت هرچند مستند نیست اما نشان‌دهنده میزان فراگیری و اهمیت قلمدان در جامعه آن روزگار بوده است که حسینی استرآبادی با انتساب اختراع آن به دست شاه‌عباس خواسته تا هم به اعتبار شاه و هم قلمدان بیفزاید. جدای از قلمدان‌های باقی‌مانده از آن دوران، گزارش‌های تاریخی نیز شاهی بر رواج این صنعت/هنر است. از کسانی که در ارتباط با نحوه ساخت قلمدان در دوران صفوی گزارش می‌دهد ژان شاردن (Jean Chardin 1643-1713)<sup>۱</sup> است که هنگام شرح صنایع ایران به هنرمندان قلمدان‌ساز و شیوه ساخت قلمدان مقوایی و مواد و مصالح موردنیاز برای ساخت آن می‌پردازد (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۴۸/۴) هرچند شاردن به تزیین روی قلمدان اشاره‌ای نمی‌کند اما از همان زمان نیز تزیین و نقاشی روی قلمدان رونق گرفت و حتی نمونه‌آثاری از هنرمندانی که گرایش به فرنگی‌سازی هم نداشتند وجود دارد، مانند قلمدانی که از معین مصور باقی‌مانده است. (تصویر ۱) دوران پس از شاه‌عباس نقطه عطفی در نقاشی فرنگی‌سازی صورت گرفت و مکتب هنرمندی چون محمد زمان بالنده شد و جایگاه محوری در سنت نقاشی زیر لاک‌ی و قلمدان‌نگاری پیدا کرد. درواقع با محمد زمان و نسل هنرمندانی که به وی اتصال پیدا می‌کنند مکتبی شکل گرفت که خاستگاه اجتماعی زیادی در میان ایرانیان از آن زمان به بعد شکل داد.



تصویر ۱. معین مصور، (حدود ۱۶۶۰ میلادی). قلمدان لاک‌ی، مجموعه ناصر خلیلی (Khalili, 1996: 42)

از آن دوران به بعد رونق این هنر تا حدودی وامدار گروهی از هنرمندان بود که سلسه‌وار این هنر را به شاگردان خود انتقال می‌دادند. پس از فروپاشی صفویه و در دوران افشار و زند، هنرهای لاک‌ی و از جمله قلمدان‌نگاری کماکان رونق داشت و هنرمندانی چون علی اشرف، محمدصادق و محمدباقر سنت نقاشی لاک‌ی صفوی را از جمله شیوه محمد زمان را به استادان اوایل قاجار انتقال دادند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۵۳) تا اینکه طی دوران قاجار به‌ویژه تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه موج تازه‌ای از بالندگی و فراوانی قلمدان‌سازی و قلمدان‌نگاری در ایران شکل گرفت. برای نمونه کریم زاده تبریزی در سه‌گانه احوال نقاشان نزدیک به ۲۸۱ هنرمند را نام می‌برد که امضای آن‌ها بر آثار لاک‌ی من جمله قلمدان موجود است و حال اینکه قلمدان‌های بسیاری نیز بدون نام و امضا موجود است.

تعداد و کیفیت ساخت برخی قلمدان‌ها در شهرهای بزرگ به‌اندازه‌ای بود که از چشم ناظران اوضاع اجتماعی ایران دور نمی‌ماند و از آن به‌عنوان یکی از صنایع مهم ایران نام می‌برند. یک سیاحت نویس روس در عهد ناصری می‌نویسد «چیزی که در ایران و تهران بسیار خوب ساخته می‌شود و بر سایر صنایع ترجیح دارد، قلمدان است» (بی‌نام، ۱۳۶۳: ۳۶). البته به‌جز تهران، در شهرهایی مانند تبریز، شیراز و اصفهان نیز این هنر رواج زیادی داشت. به‌ویژه اصفهان به‌واسطه پیشینه و نقش محوری که در فرنگی‌سازی داشت، مهم‌ترین کانون نقاشی‌های لاک‌ی بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۸۹) و آثار لاک‌ی ساخته‌شده در این شهر از مهم‌ترین کالاهای صادراتی آن به شمار می‌رفت و در سراسر ایران طرفدار داشت. «سر ویلیام اوزلی» (Sir William Ouseley (1867 – 1842) در ۱۸۱۱ میلادی (۱۲۲۶ قمری) در ارتباط با قلمدان‌های ساخت اصفهان می‌نویسد «بیشتر ایالت‌های این سرزمین را قلمدان‌ها و جلدهای کتاب این شهر بزرگ پر ساخته که همگی زیبا و مزین است» (اوزلی به نقل از رایبسون، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

### ۳. رواج قلمدان

دلایل زیادی برای رواج استفاده از قلمدان لاک‌ی در دوران قاجار وجود دارد که یکی از آن‌ها استفاده از مقوا برای ساخت قلمدان بود. مقوا رقیب جدی در برابر قلمدان‌های فلزی و چوبی به حساب می‌آمد. سبک بودن و قابلیت شکل دادن به مقوا و همچنین نقاشی با پوشش لاک، استحکام، جلا و جلوه‌ای باشکوه و رنگ و لعاب و جذابیت بیشتری به قلمدان می‌داد. به‌ویژه اینکه هنرمندان قاجاری به درجه بالایی از مهارت در ساخت و تزئین قلمدان دست پیدا کرده بودند به طوری که ناظران خارجی قلمدان‌های لاک‌ی ایرانی را در مقایسه با نمونه‌های دیگر

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۲۱

کشورها از جمله ترکیه و حتی ژاپن برتر می‌دانستند. (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۵۳ بی‌نام، ۱۳۶۳: ۳۶؛ ماساهارو، ۱۳۷۳: ۲۱۲).

سوی کیفیت ساخت، مؤلفه‌های دیگری در ارزش قلمدان‌ها تأثیرگذار بود که کیفیت و ظرافت نقاشی روی آن‌ها و امضای هنرمند از مهمترین‌ها بودند. در برخی نمونه‌ها به‌واسطه ظرافت نقوش گاه ماه‌ها و شاید قریب به یک سال نقاشی یک قلمدان وقت می‌گرفت چراکه نقاشی با قلم‌مو روی سطوح کوچک قلمدان نیازمند صرف زمان و دقت کافی بود. ضمن اینکه توان و مهارت فنی خاص خود را می‌طلبد که تنها از عهده استادان چیره‌دست و ماهر برمی‌آید. کیفیت و ظرافت نقاشی‌های روی برخی قلمدان‌ها تا به اندازه‌ای بود که اغلب باعث حیرت و تحسین اغلب ناظران می‌شد به‌گونه‌ای که گاه دیگر گونه‌های نقاشی مانند تابلوهای رنگ و روغن، در مقایسه نقاشی‌های روی قلمدان تا آن‌گونه که باید به چشم نمی‌آمد؛ حتی برخی از کسانی که در ارتباط با نقاشی ایران صاحب‌نظر بودند در مقایسه با دیگر شیوه‌های نقاشی، نقاشی‌های زیر لاک را بر دیگر نمونه‌ها ترجیح می‌دادند، از جمله رابرت مرداک اسمیت، (Sir Robert Murdoch Smith (1835 – 1900) بانی جمع‌آوری مجموعه ارزشمندی از آثار هنر ایران در موزه ویکتوریا آلبرت لندن، (The Victoria and Albert Museum) در کتابش «هنر ایران» نقاشی دوران قاجار را این‌گونه شرح می‌دهد: «بهترین نقاشی‌ها در ایران آن‌هایی است که در مقیاس کوچک (مینیاچور یا نگارگری) روی قلمدان‌های پایه ماشه، جلد کتاب و جعبه‌های چوبی کوچک ترسیم می‌شود» (اسمیت، ۱۴۰۰: ۷۵) و ضمن مقایسه نقاشی‌های روی بوم با نقاشی‌های لاک می‌دهد: «نقاشی‌های بزرگ‌تر روی بوم (پرده) بسیار نازل و کم‌مایه‌اند، خصوصاً از حیث طراحی» (همان: ۷۶). او حتی هنرمندان نقاشی زیر لاک را جز هنرمندان مهم ۲۰۰ سال اخیر ایران زمان خود نام می‌برد و برخی از مهم‌ترین هنرمندان را نام می‌برد (همان: ۷۵). ساموئل بنجامین (Samuel Greene Wheeler Benjamin (1837 – 1914) سفیر آمریکا در عهد قاجار نیز به‌نوعی دیدگاه اسمیت را تأیید می‌کند: «این مینیاچورهای کوچک قلمدان‌ها و آینه‌ها، دنیایی هنر به‌مراتب عمیق‌تر از آن تابلوهای بزرگ را در خود جمع کرده‌اند» (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۵۴). جیمز آشر (James Ussher) جهانگرد انگلیسی نیز در سال ۱۲۸۱ ق/ ۱۸۶۴ م از کیفیت نقاشی روی قلمدان به‌احتمال‌قوی کار محمد اسماعیل می‌نویسد «بهترین نگاره تا در ظرافت و پرداخت به‌پای آن نمی‌رسید» (آشر در رابینسون، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

از سوی دیگر قابلیت نقاشی کشیدن روی سطح قلمدان، امکان نقاشی طیف گسترده‌ای از مضامین و موضوعات را به وجود می‌آورد، در نتیجه مخاطبان و هنرمندان می‌توانستند مطابق با

سلیقه خود آثار متفاوتی را با درجات کیفی متفاوت پیدا و خلق کنند. قابلیت نقاشی روی قلمدان آزادی عمل هنرمند را به همراه می‌آورد و بسته به کیفیت و کاری که رو قلمدان‌ها انجام می‌شد بازار این شیء سطوح مختلف طبقات اجتماعی را پوشش می‌داد؛ در نتیجه همه علاقه‌مندان به قلمدان از اقشار مختلف اجتماعی می‌توانستند متناسب با سطح مالی خود قلمدانی برای خود تهیه کنند و به رونق بازار آن کمک می‌کردند.

از اشراف گرفته تا طبقات پایین‌تر، هرکسی از هر قشری به دنبال قلمدان بود. در نتیجه گروه زیادی از هنرمندان نامدار کارشان قلمدان‌سازی و قلمدان‌نگاری بود. حتی برای سالیان سال صنف قلمدان فروش نیز وجود داشت به طوری که در سندی که آمار دارالخلافه تهران در ۱۲۶۹ هجری قمری را می‌دهد در فهرست دکان‌ها از ۳ باب قلمدان فروشی نیز نام برده می‌شود (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸: ۳۹). سر ویلیام اوزلی از بسته‌های بزرگ قلمدان در فروشگاه‌های اصفهان می‌نویسد که انواع نمونه‌ها را شامل می‌شد و تنوع قیمت آن‌ها به پول آن زمان از نیم ریال تا ۳ الی ۴ تومان بود، وی محتویات هر بسته را بالغ بر «صدها عدد» تخمین می‌زند (اوزلی در خلیلی، ۱۳۸۶: ۲۱۵) دالمانی نیز درعین حال که ایرانیان را عاشق قلمدان‌های ممتاز و خوش‌نقش می‌داند که حاضرند مبالغ زیادی بابت آن‌ها پردازند، تأیید می‌کند که برای آن‌ها که بضاعت مالی چندانی داشتند حتی با مبلغ یک قران هم می‌توانستند یکی از آن‌ها را به دست آورند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۵/۱).

قلمدان‌های نفیس داستان متفاوتی داشتند چراکه قلمدان‌سازهای مهم حجره‌دار نبودند و به صورت سفارشی کار می‌کردند. برای نمونه بصیرالملک شیبانی در خاطراتش می‌نویسد که نقاش باشی دربار ناصرالدین شاه «اندازه قلمدان آقا [پدر بصیرالملک] را گرفت که یک قلمدان به جهت آقا بسازد» (بصیرالملک شیبانی، ۱۳۷۴: ۱۶). گاه آثارشان چنان گران‌بها بودند که خریداری آن‌ها از عهده هرکسی بر نمی‌آمد. نام هنرمند، قدمت، موضوع و کیفیت نقاشی، میزان دقت و زمان صرف شده برای ساخت و نقاشی قلمدان، متغیرهای اصلی در ارزش‌گذاری مادی و معنوی قلمدان‌ها بود. در این میان آثار قدما ارزش زیادی داشت و مبالغ زیادی نیز برای آن‌ها پرداخت می‌شد. کسانی که صاحب قلمدان قدیمی از هنرمندان صاحب‌نام بودند در حفظ آن‌ها می‌کوشیدند و به داشتن آن‌ها افتخار می‌کردند. به‌ویژه آثار هنرمندان مطرحی مانند محمد زمان، آقا نجف بسیار طرفدار داشتند و قلمدان‌های هنرمندان معروفی چون آقا لطفعلی و آقا زمان که حتی «از صد تا دویست تومان خرید و فروش می‌شد» (معیرالممالک، ۱۳۳۶: ۱۷۵).

اما شاید بتوان گفت از مهم‌ترین ویژگی‌های قلمدان‌های مقوایی سبکی وزن آن‌ها بود که حمل آن‌ها را راحت می‌کرد و این خود یکی از دلایلی بود که کاربرد استفاده از قلمدان را در میان مردم جامعه افزایش می‌داد. سبکی قلمدان‌ها با همراه تنوع رنگ و شکل روی آن‌ها به تدریج به عنوان جزئی از آرایه‌های تزیین پوشش ایرانیان به‌ویژه اقشار باسواد در محافل عمومی و خصوصی و به‌گواه دالمانی «از تجملات مهم نویسندگان ایران» شد. (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱/ ۱۱۱) در لباس‌های سنتی قاجاری شال پارچه‌ای که به کمر می‌بستند بخش جدانشدنی لباس بود و همین شال کمر ابزاری برای حمل و نقل وسایل بود و به راحتی می‌شد از ابزاری که درون شال کمر فرو می‌کردند به مقام و جایگاه فرد مورد نظر پی برد. دورانی که قبای ترمه و شال کشمیری و کرمانی جز پوشاک اعیان و اشراف بود، گذاشتن قلمدان لای شال یکی از مهم‌ترین آرایه‌های پوشش به حساب می‌آمد که هم جنبه تزیینی داشت و هم به صاحب آن اعتبار و جایگاه اجتماعی می‌بخشید. توصیف لباس نظام‌الملک از زبان عین السلطنه می‌تواند به خوبی نشان‌دهنده این الگوی پوشش باشد «کلجه ترمه بطنه خز همیشه زمستان‌ها می‌پوشید. خرجه ترمه بطنه خز تن می‌کرد، ... روی قبا شال سفید کتان یا غیر کتان می‌بست. قلمدان و لوله کاغذ در جیب می‌گذاشت. عصای سرطلا دست می‌گرفت» (سالور، ۱۳۷۸: ۵۰۵۵/۷). پولاک (Jakob Eduard Polak 1818 – 1891) نیز در ارتباط با شیوه تزیین مرد ایرانی درملاًعام، در کنار زیورها مردانه از ساعت، انگشتری فیروزه به همراه انگشتری ساده از عقیق، تسبیح، مهر، دوات و قلم تراش نام می‌برد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۳). ماساهارو نیز در مورد وسایل همراه مردان می‌نویسد «ایرانی‌ها همیشه قلمدان و مهر با خود داشتند» (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۲۱۳).

#### ۴. ارزش و جایگاه قلمدان

ارزش نمادین قلمدان‌های هنرمندان صاحب‌نام بسیار زیاد بود و عموماً خانواده‌های سلطنتی و اشراف به دنبال تصاحب آن‌ها بودند. این قلمدان‌ها از مهم‌ترین هدایایی بودند که از طرف شاه و دولتمردان به رجال هدیه داده می‌شد. میرزا حسین دیوان‌بیگی کردستانی، در اواخر ۱۲۸۲ قمری (۱۸۶۶ م) در ارتباط با ارزش و اهمیت قلمدان کار علی اشرف که به رسم هدیه برای پدرش می‌فرستند تأکید می‌کند که در آن روزگار «قلمدان کار علی اشرف که در نهایت امتیاز بود» (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲: ۴۱). از هنرمندان صاحب‌نام که آثارش طرفدار بسیار داشت آقا صادق بود که آثارش از دارایی‌های ارزشمند اشراف و دولتمردان به حساب می‌آمد؛ در روزنامه وقایع اتفاقیه به تاریخ بیست و چهارم ماه رمضان ۱۲۶۷ هجری قمری [۱۲ تیر

۱۲۳۰ شمسی / ۳ جولای ۱۸۶۷ میلادی] در سیاهه اجناس باارزشی که از حرم‌خانه دارالخلافه ناصری دزدیده شده بود در کنار اشیایی همانند کتاب «اخلاق المحسنین به خط میرعماد»، «یک قلمدان کار آقا صادق با دوات مرصع» نیز نام برده می‌شود (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱ مرداد ۱۲۳۰، شماره ۲۵: ۱۲۱). قهرمان میرزا سالور برادرزاده ناصرالدین شاه نیز بخشی از خاطراتش را به ماجرای قلمدانش که کار آقا صادق بود اختصاص می‌دهد (سالور، ۱۳۷۸: ۵۶۱۲/۷).

فارغ از کارهای استادان قدیم، آثار هنرمندان صاحب‌نام معاصر نیز ارزشمند و گاه بسیار گران بود و همان‌گونه که پولاک شرح می‌دهد قیمت آثار آن‌ها «برحسب نام و آوازه نقاش گاه ارقامی افسانه‌ای» بود (۱۳۶۸: ۳۸۹). برخی از هنرمندان حتی در زمان حیاتشان آثارشان گران و کمیاب بود، کلادیوس جیمز ریچ (Claudius James Rich (1787 – 1821)، افسر انگلیسی کمپانی هند شرقی که در ۱۰ سپتامبر ۱۸۲۱ میلادی (۱۲ ذی‌الحجه ۱۲۳۶ / ۱۹ شهریور ۱۲۰۰ شمسی) با محمدهادی نقاش شیرازی در شیراز دیدار داشت در ارتباط با آثار او خطاب به همسرش می‌نویسد: «این هنرمند دیگر کار نمی‌کند و دشوار بتوان قطعه از اثر قلم او تهیه کرد چه ایرانیان آن را به هر بهایی خریداری می‌کنند. او حتی یک نمونه هم برای خودش نگه نداشته است» (نفیسی، ۱۳۵۲: ۳۴).

هرچه کیفیت نقاشی روی قلمدان بالاتر بود ارزش مالی آن نیز افزایش پیدا می‌کرد. معمولاً این‌گونه قلمدان‌ها سراسر از نقش و نگار بودند. نقاشی‌های چنان باکیفیت که حیرت ناظران به‌ویژه خارجی‌ان را برمی‌انگیخت، نقل‌قول‌های متعددی از سیاحان وجود دارد که با عبارات وصفی متعدد، از کیفیت نقاشی‌های روی قلمدان‌ها تعریف و تمجید کرده‌اند. (برای مطالعه بیش‌تر بنگرید به: بی‌نام، ۱۳۶۳: ۳۷؛ بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۵۴؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۲/۱) در این میان ظرافت نقاشی‌ها بیش از هر چیز حیرت ناظران را برمی‌انگیخت. در برخی نمونه‌ها تا تنوع و کثرت نقش‌ها به‌اندازه‌ای بود که دیدن آن‌ها نیازمند دقت و زمان کافی بود. آن‌چنان‌که در همان زمان تحسین مخاطبان را برمی‌انگیخت. بنجامین از قلمدانی کار میرزا احمد سرپرست نقاشان دربار ظل السلطان<sup>۳</sup> با موضوع صحنه جنگ ایران و عثمانی نام می‌برد که نقاشش چهره ۵۶ نفر را با نمایش حالات بدن در حالت حمله، با تمام جزئیات رزم آن زمان اعم از شمشیر، زنبورک و شمشال و توپ بطور خیلی دقیق نقاشی کرده بود، به‌قدری ماهرانه که «وقتی انسان با ذره‌بین بان نگاه کند درست میدان جنگ بزرگی را مقابل خود می‌بیند» (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۵۴)؛ و البته این تعداد چهره بیشترین نبود. معیرالممالک<sup>۴</sup> از قلمدانی می‌نویسد که قلمدان‌ساز لال<sup>۵</sup> «میدان جنگ‌سالار را در خراسان نقش کرده بود که یک‌هزار تن جنگجو روی آن شمرده می‌شد» و

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۲۵

کیفیت آن به اندازه‌ای بود که «یکی از اروپاییان مقیم تهران به‌زار و پانصد تومان خریداری کرد» (معیرالممالک، ۱۳۳۶: ۱۷۵). این میزان از دقت و توانایی در نقاشی قریب به هزار چهره روی سطح کوچک یک قلمدان نشان از مهارت و کیفیت کار هنرمندان می‌دهد. در نتیجه به‌جز اقشار ثروتمند مشتری دیگری نداشتند و عمدتاً به سفارش اشخاص ثروتمند می‌شدند. نمونه این قلمدان تا در آن دوران زیاد کار می‌شد که برخی از آن‌ها که باقی مانده است در مجموعه‌های خصوصی و موزه‌ها نگهداری می‌شود. (برای نمونه تصویر ۲)



تصویر ۲. اسماعیل، (۱۲۶۶ قمری ۵۱ - ۱۸۴۹ م). قلمدان لاک‌ی با موضوع جنگ منوچهر خان معتمدالدوله. اصفهان. (Khalili, 2010: 358)

از میانه دوران قاجار به بعد و با از بین رفتن استادان صاحب‌نام قلمدان‌ساز روزبه‌روز ارزش قلمدان‌های ممتاز و به‌ویژه اساتید قدیم بیشتر می‌شد و تمایل به داشتند قلمدان‌های نفیس فرونی می‌گرفت به‌ویژه اینکه اروپاییان نیز علاقه‌مند داشتن این قلمدان تا شدند و همان‌گونه که ویلز می‌نویسد نمونه‌های نفیس این آثار «بصورت عتیقه و جنسی نمونه و ممتاز درآمده بود» (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۲۹)؛ بنابراین از همان دوران گروهی به دنبال جمع‌آوری این آثار برآمدند و در مجموعه‌های شخصی خود نگهداری می‌کردند از جمله خود ناصرالدین‌شاه که در موزه شخصی خود تعدادی قلمدان نفیس داشت. (فوریه: ۱۳۲۵: ۲۱۲). به‌جز این در کتابخانه سلطنتی نیز آثار لاک‌ی و قلمدان نگهداری می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۹۳/۱) دیگر رجال نیز به جمع‌آوری آثار نفیس از جمله قلمدان می‌پرداختند، مانند میرزا محمود از شاغلان دستگاه دیوانسالاری امین سلطان که عبدالله مستوفی در توصیف کارهایش می‌نویسد «برای خود موزه‌ای از قلمدان و مرقع و سکه کهنه و از این خرد و ریزها ترتیب داد» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۰۰/۱). یکی دیگر از

اشرافی که تعداد زیادی آثار هنری داشت معیرالممالک بزرگ، پدر داماد ناصرالدین شاه بود که مجموعه غنی از نسخه‌های خطی و اشیای عتیقه داشت (بنجامین، ۱۳۶۹: ۱۵۷).

خارجیانی نیز که به دنبال آثار نفیس بودند نیز از خریداران قلمدان بودند آن‌گونه که ویلیام اوزلی ۳۰ قلمدان را که برخی به واسطه‌ی طرح و نقش منحصر به فردشان و برخی را جهت اهداء به دوستانش در انگلستان خریداری کرد (اوزلی در خلیلی، ۱۳۸۶: ۲۱۵). جدای از این یکی از مهم‌ترین هدایای کارگزاران دولتی و سلطنتی قلمدان بود. قلمدان‌هایی که عمدتاً نفیس و مکمل به الماس و مرصع به زیور بودند. قلمدان معمولاً همراه دیگر هدایایی مانند عصای مرصع، شمشیر مرصع و ... به عمال حکومتی اهدا می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۹۷/۱؛ لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۳۴۰؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۷۸۴ و ۱۶۲۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۹۳: ۳/ ۱۸۷۵؛ سعیدی سیرجانی، ۱۳۷۶: ۵۰/۱). در همین راستا قلمدان‌ها در قالب اشیای نفیس بخشی از هدایای سلطنتی به سفرا و پادشاهان دیگر کشورها نیز بودند. در فهرست هدایایی که میرزا ابوالحسن خان شیرازی از طرف دولت علیه ایران به جهت امپراتور روسیه برده بود در کنار هدایای نفیسی چون فیل و اسبان ترکمان و عربی با افسار طلا و نقره و بسیاری از اشیای ارزشمند دیگر چهار عدد «قلمدان عمل قدیم» نیز بود (علوی شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۷۳). در خارج از ایران نیز قلمدان جز نماینده‌های فرهنگ و هنر ایران به حساب می‌آمد و در همان دوران در نمایشگاه‌های جهانی به نمایش گذاشته می‌شد. فرخ خان امین‌الدوله نماینده دربار ناصری به اروپا در سال ۱۲۷۲ قمری مطابق ۱۸۵۶ م در بازدیدش از عمارت بلور لندن که به قول خودش «کاروانسرای بود محتوی بر جمیع امتعه و اقمشه و اسباب غریبه و مصنوعات عجیبه روی زمین»، در ارتباط با قسمت مربوط به ایران در کنار انواع صنایع دستی ایران مانند گلدوزی رشت، قلیان نارگلی از قلمدان و جلدهای لاک‌ی کتاب کار اصفهان نام می‌برد (سرابی، ۱۳۷۳: ۳۴۳).

## ۵. میرزاها و قلمدان

در میان اقشار گوناگون اجتماعی، جایگاه قلمدان به‌ویژه میرزاها بسیار مهم بود، قشری که سواد برایش نوعی شاخص و ابزار تفاخر اجتماعی به حساب می‌رفت و به واسطه آن در بین اقشار مختلف جامعه اعتبار کسب می‌کرد. در آن دوران و تا پیش از شکل‌گیری مراکز آموزشی نوین باسوادها یا دروس مذهبی خوانده بودند و عموماً به «ملا» شهرت داشتند و یا گروهی بودند که به‌صورت مکتبی سواد یاد گرفته بودند که اکثراً «میرزا» نامیده می‌شدند، از جمله عالی‌ترین



جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۲۷

باسوادان هم مستوفیان بودند. یکی از مهم‌ترین نمادهای این دو قشر به‌ویژه میرزایان داشتن قلمدان بود که ضمن اینکه ابزار مورد کار خود یعنی اسباب نگارش را با خود حمل می‌کردند می‌توانستند جایگاه صنفی و اجتماعی خود را هم نشان دهند.



تصویر ۳. علی خان والی، (۱۲۴۰-۱۲۷۸). مرحوم میرزا عبدالوهاب مستوفی  
از صفحه ۳۴۰ آلبوم علی خان والی. (Roxburgh & McWilliams, 2017)

درواقع در میان انبوه نوکرها یا حقوق‌بگیرانی که اعیان و اشراف داشتند، سواد میرزاها وجه برتری آن‌ها در سلسله‌مراتب خدمت‌گذاری بود و آن‌ها با همراه داشتن قلمدان جایگاه متفاوت و مقام خود را به نمایش می‌گذاشتند. به عبارت بهتر قلمدان برای میرزایان قاجار منبع اصالت و قدرت ایشان به حساب می‌آمد و به‌مثابه نشانی از هویت اجتماعی آن‌ها بود. بدیهی است با توجه به درصد اندک باسوادان، قلمدان تا چه اندازه می‌توانست به تشخیص اجتماعی کسی که آن را حمل می‌کرد اعتبار ببخشد. به عبارت بهتر می‌توان گفت قلمدان مانند جامه و عبا مقام و

جایگاه صاحب خود عجیب می‌شد. معمولاً قلمدان همیشه همراه با لوله‌ای کاغذ به همراه لوله کوچکی از کاغذ چسب برای چسباندن سر نامه بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۲۹). (تصویر ۳) اکثر مورخان و سیاحان نیز میرزاها را با همین نشانه توصیف می‌کنند از جمله پولاک که نسبت لباس میرزایان و قلمدان را این‌گونه وصف می‌کند «کسی که خط‌وربطی در آن دوات و لوله‌ای کاغذ حمل می‌کند و به همین دلیل لقب میرزا با او تناسب دارد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۷ همچنین ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۱). دالمانی نیز در ارتباط با نحوه شناسایی میرزایان در جمع می‌نویسد «لوازم کار آن‌ها منحصر است بیک لوله کاغذ که در پَرِ شال فروبرده‌اند و یک قلمدان که در جیب قبای خود گذارده‌اند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۱ همچنین اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۶) و در جای دیگری نیز می‌نویسد «هر میرزای فقیری هم ممکن است قلمدان خوبی داشته باشد» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۱).

دارندگان قلمدان، آن را بخشی از دارایی‌های ارزشمند خود می‌دانستند و حفظ آن را وظیفه خود می‌دانستند. قهرمان میرزا سالور در ارتباط باعلاقه و وابستگی به قلمدان چند روایت نقل می‌کند که نشان از اهمیتی است که فارغ از طبقه اجتماعی افراد، به این شیء داده می‌شد از جمله داستان مستشارالملک که وقتی مورد غضب قرارگرفته بود، از ترس مصادره عبا و ساعت و قلمدان، آن‌ها را جایی غیر از خانه خود به امانت سپرده بود (سالور، ۱۳۷۶: ۱۳۸۳/۳) یا قلمدان ملای فقیری که مصادره شده بود و با وساطت قهرمان میرزابه او بازگردانده شد (سالور، ۱۳۸۰: ۸۷۲۸/۱۰) همچنین قلمدان میرزا ابراهیم که وقتی قلمدانش را می‌شکنند و در بخاری می‌اندازند. عین‌السلطنه وضعیت او را چنین وصف می‌کند: «مثل این بود که خرمن زندگانی‌اش مشتعل شده است می‌خواست مدقوق شود. از تکلم و نفس کشیدن افتاد» (سالور، ۱۳۷۴: ۸۹۴/۱).

## ۱.۵ جایگاه نمادین قلمدان در سپهر فرهنگی و سیاسی قاجار

قلمدان در عصر قاجار هم به‌مانند دیگر ادوار تاریخی استعاره‌های زیادی دربرداشت. اعتبار قلم و نگارش در تاریخ فرهنگی ایران مرجع اصلی این ارزش‌گذاری نمادین است. برای بسیاری از باسوادان قلمدان حکم میراث معنوی داشت، کما اینکه اعطا کردن و بخشیدن قلمدان در سپهر فرهنگی ایران نمادی از لیاقت و ذوق به شمار می‌آمد. برای نمونه وقتی حزین لاهیجی دنباله غزلی را با سروده خود پیش پدر می‌خواند، پدر از ذوق شاعرانگی فرزند به وجد می‌آید و «به‌عنوان تشویق قلمدان خود را به وی هدیه می‌کند» (سالک، ۱۳۷۵: ۶۲). به عبارت بهتر

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۲۹

به‌طور ضمنی فرزند را شایسته مقام ادبی و به شکلی نمادین او را میراث‌دار معنوی خود می‌داند. در قاموس مذهب نیز، قلمدان با حرمت و تفاخر کلام مرتبط می‌شد. قلمدان هم نماد ارزش و مقام بود و هم به کلامی که نگاشته می‌شد اعتبار می‌بخشید. در ارتباط با حدیث سلسله‌الذهب آمده است که پس از ورود امام رضا (ع) «متجاوز از سی هزار از اهل فضل و حدیث از آنحضرت استقلال و چندین هزار نفر از آنان حدیث مشهور بسلسله‌الذهب را با قلمدان مرصع بجواهر و غیره نوشتند» (شریف رازی، ۱۳۳۲: ۳۷۵) به روایتی دیگر ۲۴ هزار قلمدان مرصع برای نگارش به کار رفت (دوانی، ۱۳۸۶: ۲۰۹).

در ساختار و نظام سلطنتی و اشرافیت ایران دوران قاجار نیز منصب قلمدان دار نیز وجود داشت که در قالب «منشی حضور» وظیفه‌اش نگهداری قلمدان و دیگر ادوات تحریر بود، از جمله در دربار ناصری این وظیفه در اختیار میرزا علی‌خان بود که وی به‌عنوان منشی حضور هر زمان لازم بود قلمدان و ابزار تحریر فقط تحویل او بود و می‌آورد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۸۸۲)، منصبی که مدتی هم در اختیار میرزا علی‌اصغر بود. (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲: ۱۵۴) جدا از شاه دیگر رجال نیز کسی را به نام قلمدان دار داشتند که منشی آنان به شمار می‌آمد (نک: مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۱۳۰).

در سپهر سیاسی نیز قلمدان بیش از هر نشان دیگری با شایستگی و تدبیر پیوند می‌خورد. در سال ۱۲۷۲ قمری [۱۲۳۵ هجری شمسی/ ۱۸۵۶ میلادی] که عید نوروز و عید مولود امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به یک روز اتفاق افتاده بود، ناصرالدین‌شاه در کنار دیگر هدایا «یک قطعه قلمدان مکمل به الماس» را به میرزا آقاخان نوری، صدراعظم وقت با پیامی به این بیانات به او می‌بخشد:

انتظار داریم که از اثر لایقه و مدد حبر این قلمدان آثار بزرگ در دولت ما ظاهر شود و اوامر و احکامی که باعث آبادی مملکت و رفاه رعیت و انتظام لشکر و امیدواری کل طبقات نوکر و حصول فایده‌های کلی به جهت دین و دولت و ملک و ملت باشد جاری گردد تا سالی دیگر مورد الطاف و اشفاقی بزرگ‌تر گردد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۴۲۹).

جدای از تدبیر و شایستگی، قلمدان در تاریخ سیاسی ایران کارکردهای نمادین دیگری نیز داشت؛ گاه با هویت، گاهی با اعتبار و گاه با منصب و در بیشتر مواقع با هر سه پیوند می‌خورد. از قدیمی‌ترین‌ها می‌توان به روایت طبری از خسرو انوشیروان اشاره کرد که در اثر غش در دفاتر مالیاتی دستور داد تا یکی از دبیران را «با قلمدان آن‌قدر بزیند تا بمیرد» (کریستین سن، ۱۳۶۸: ۵۰۴). در نظام دیوانسالاری غزنویان «نشانه رئیس دیوان، قلمدان نقره‌ای بزرگی بود و

عده زیادی منشی نزد او بودند که پیوسته یکی از آنها در دیوان می ماند و "دبیر نوبتی" نام داشت» (شهیدی پاک، ۱۳۹۳: ۱۸۶). در سپهر سیاسی حکومت های حاکم بر ایران قلمدان عمدتاً نشان منصب وزرای بزرگ بود (شاردن، ۱۳۳۶: ۱۰۸/۳؛ افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۵۴ و ۱۵۳؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۸۵). رسمی که نه در ایران بلکه در برخی دیگر از سرزمین های مسلمان نیز وجود داشت، از جمله نزد گورکانیان هند، آنجا که جهانگیر گورکانی در توزک می نویسد «قلمدان مرصع به صادق خان میر بخشی لطف نمودم» (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۹: ۳۷۱). در دوران قاجار نیز این رسم به قوت برجا بود؛ ناصرالدین شاه به هنگام اعطای لقب صدرا اعظم به امین السلطان که بالاترین لقب و مرتبه دولتی بود، خطاب به امین السلطان می گوید: «قلمدان و شرابه مرصع را که از لوازم این شغل است مرحمت فرمودیم» (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۸۵۰).

از سوی دیگر به همان اندازه که قلمدان برای دولتمردان اعتبار و مقام به همراه می آورد، گرفتن آن نیز نوعی مصادره قدرت و انفصال از دایره مناصب حکومتی به حساب می آمد. به طوری که وقتی صاحب قلمی یا یک رجال سیاسی را محکوم می گردند هنگام خلع مقام، قلمدان وی را می گرفتند و به صورتی نمادین او را از منصب و جایگاهش فرو می انداختند. از قدیمی ترین نمونه ها روایت عزل خواجه نظام الملک است که چون ملک شاه سلجوقی بر وی خشم گرفت «حکم داد تا قلمدان از پیش و دستار از سرش بردارند» (ملکم، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳۷) و خواجه که قلمدان را نماد اندیشه ورزی خود می دانست و ماندگاری ملک ملک شاه را در سایه تدبیر خود می داد، با ارجاع به قلمدان به فرستاده می گوید:

در حضرت پادشاه معروض دار که دست تقدیر خداوند تاروپود تاج و سلطان را با این قلمدان درهم بافته و این جهانگشائی و استیلا بدین موافقت به دست شده، بیم آن دارم که انتزاع این قلمدان از من بر سلطان مبارک نیاید (لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۵۲۴/۳).

در اینجا قلمدان جدای از اینکه نشانی از منصب است، دربرگیرنده قدرت صاحب منصب و به همان اندازه استعاره از تدبیر و درایت صاحب قلمدان هم است. در ماجرای عزل و قتل امیرکبیر نیز روایت شده «میرزا آقاخان در نخستین روزهای زمامداری به محارم خود گفته بود تا میرزا تقی خان زنده است، من نمی توانم قلمدان او را در جیبم بگذارم» (راوندی، ۱۳۸۶: ۴۲۱/۴) هرچند پس از مرگ امیر نیز قلمدانش را در جیب نگذاشت و سفارش شد تا حاجی زین زرگر به مبلغ هزار تومان قلمدان جدیدی برای او بسازد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۸۵۰)؛ اما آن قلمدان نیز به وی وفا نکرد و هنگام عزل میرزا آقاخان، معیر الممالک خزانه دار و رئیس

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۳۱

بیوتات سلطنتی ناصرالدین‌شاه، مأمور شد تا آن را از به همراه دیگر اسباب صدارت وی پس بگیرد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۸۸/۱)؛ هرچند ماجرای این قلمدان همین‌جا تمام نشد و با فرمان صدارت دیگر وزرای ناصرالدین‌شاه پیوند خورد. به‌طوری‌که بعد از عزل میرزا آقاخان به میرزا حسین‌خان سپهسالار و بعد به میرزا یوسف مستوفی‌الممالک و درنهایت به امین‌سلطان رسید (اعتماد‌السلطنه، ۱۳۵۰: ۸۵۰). قلمدانی که با افتادنش از دست امین‌سلطان «نکته‌سنجان و خرده‌بینان به فال خوش نگرفتند» (همان: ۸۵۱). تا اینکه در جمادی‌الاول ۱۳۱۴ [مهر ۱۲۷۵ شمسی، اکتبر ۱۸۹۶] علاءالدوله «قلمدان و شرابه و شمشه و مهر صدارت» را از اتابک نیز بازپس گرفت (سالور، ۱۳۷۴: ۱۰۹۶/۲) و با این قلمدان داستان وزرای ناصرالدین‌شاه نیز به پایان رسید.<sup>۷</sup> به عبارتی قلمدان را می‌توان راوی بخشی از مهم‌ترین تحولات سیاسی قاجارها دانست.

## ۶. به محاق رفتن قلمدان

آکی‌نو کاوما کنسول ژاپنی که طی سال‌های ۱۳۴۸ - ۱۳۵۱ قمری [۱۳۰۸ - ۱۳۱۱ شمسی ۱۹۲۹/ - ۱۹۳۲ میلادی] به ایران سفر کرده بود ضمن اینکه از میزان اشتیاق به قلمدان و کاربرد آن را در ایران شرح می‌دهد، شرحی از افول قلمدان به‌واسطه تغییر الگوی اجتماعی مردم در استفاده از آن می‌دهد: «تا همین چندی پیش، مردم قلمدان به بند کمر یا پر شالشان داشتند» (کازما، ۱۳۸۰: ۲۰۰). او با اینکه از قلمدان‌ها و نقوش آن‌ها صحبت می‌کند ولی جویری به نقش آن‌ها ارجاع می‌دهد که گویی سالیان سال است که از ساخت آن‌ها گذشته است، آن‌چنان‌که در ارتباط با آثار خوشنویسان مطرح بر قلمدان می‌نویسد: «می‌گویند که خوشنویسان درجه‌یک هم خط‌هایی بر قلمدان نوشته بودند» (کازما، ۱۳۸۰: ۲۰۲). به کار بردن فعل گذشته نشان از رونق افتادن این هنر دارد. در صورتی‌که هم وطن او «ماساهارو» تنها حدود ۵۰ سال پیش از کازما به وسعت کاربرد قلمدان در جامعه اشاره می‌کند.

شیوه نادرست نگهداری از قلمدان‌ها نیز نشان‌دهنده کمرنگ شدن نمود اجتماعی قلمدان‌ها بود؛ آن‌گونه که ساموئل بنجامین با تألم می‌نویسد «افسوس و هزار افسوس که این قلمدان‌ها که آثار هنری برجسته‌ای هستند خوب حفظ نمی‌شوند و بر اثر عدم مراقبت نقش روی آن‌ها پاک‌شده و روزی از بین می‌روند» (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۵۳). از این زمان به بعد بود که با وفول کارکرد اجتماعی قلمدان، این شیء تبدیل به عتیقه شد، کالایی که دچار مرگ نمادین شده بود و در یک نظام مبادله‌ای دیگر با مفهوم و ارزش نمادین جدیدی سر برآورده بود.<sup>۸</sup>

دلایل متعددی برای افول قلمدان وجود دارد که بخشی از آن به تحولات اجتماعی و فرهنگی نیمه دوم قاجار به بعد به‌ویژه تجددخواهی و دستاوردهای تکنولوژیک برمی‌گردد، آنچه باعث می‌شد به‌تدریج زیست اجتماعی دستخوش تحول بشود. یکی از این تحولات شیوه پوشش لباس مردان بود که کم‌کم به شیوه اروپایی تمایل پیدا کرد، آنچه الگوی استفاده از اشیای همراه لباس را نیز تغییر می‌داد. لباس‌های جدید به‌تدریج شکل و شمایل جدیدی به مرد ایرانی می‌داد و او را از پوشش سنتی یعنی قبا و ارخالق و به‌ویژه شال و کمر بند جدا کرد، روندی که در زمان احمدشاه رفته‌رفته با کت و شلوار اروپایی جایگزین شد. (جانب الهی، ۱۳۹۹). به همراه تغییر الگوهای پوشش تغییر اسباب نگارش نیز در افول قلمدان بی‌تأثیر نبود. در واقع با آمدن قلم فرانسه<sup>۹</sup> و در عصر پهلوی خودکار و خودنویس نیاز به ابزاری مانند قلم تراش و قط زن و قیچی زیاد احساس نمی‌شد و در نتیجه قلمدان از کارایی لازم خود برکنار ماند (شهری، ۱۳۸۳: ۶۹). افول قلمدان به‌واسطه ورود ابزار نگارش جدید مانند قلم فلزی و مداد و دیگر وسایل به‌تدریج بر نظام زیبایی‌شناسی خط فارسی هم تأثیر گذاشت چراکه دقت و آداب و ممارستی که برای فراگیری با ابزار سنتی نگارش نیازمند بود دیگر لزومی نداشت و البته شغل میرزایی نیز افول پیدا کرده بود. در واقع جدا از سواد، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حرفه‌ای میرزایان خط خوش بود.

از دیگر عوامل افول قلمدان تغییر قشربندی‌های اجتماعی در اواخر دوران قاجار و آن برآمدن قشر جدید باسوادانی بود که عموماً به فرنگ گرایش داشتند بود. اشخاص باسوادی که به‌تدریج جذب نظام دیوانسالاری جدید می‌شدند که الگوها متفاوتی با قبل داشت. این افراد در مقایسه با ملاها و میرزاها، دانش‌آموختگان نظام آموزش جدید و محصلان تحصیل کرده خارج از ایران بودند و عمدتاً به طبقه متوسط جدید تعلق داشتند، طبقه‌ای که به‌تدریج و با توجه به تغییرات آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران شکل گرفته بود، شکل‌گیری این طبقه تا حد زیادی حاصل عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیگر مقتضیات اواخر دوران قاجار بود که از مهمترین ویژگی‌های آن تمایل زیاد به تجددگرایی بود. اعضای این طبقه عمدتاً در جایگاه منتقد نظام سنتی ایران، سبک زندگی متفاوتی متناسب با جایگاه اجتماعی در پیش گرفتند که با الگوهای اجتماعی طبقه سنتی تفاوت پیدا می‌کرد و یکی از آن‌ها نحوه حضور اجتماعی بود. باسوادان طبقه متوسط جدید دیگر همانند میرزاها در خدمت اربابان و اشراف نبودند بلکه به‌تدریج جذب نهادهای دیوانسالار دولتی می‌شدند. از طرف دیگر با گسترش مدارس افزایش تعداد باسوادان، جایگاه خاص و متفاوت میرزایان را چالش کشیده شده بود و مقام اجتماعی

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۳۳

آن‌ها به‌مانند قبل نبود. در واقع از عصر مشروطه به بعد، نظام اجتماعی و الگوهای فرهنگی دستخوش تغییر شده بود. از این دوران به بعد و با رواج روزافزون افکار و فن‌آوری و ادوات مادی تمدن اروپایی رفته‌رفته بسیاری از اندیشه‌ها و هنرهای سنتی ایرانی به حاشیه رانده شدند؛ تجددگرایان به دنبال طرح الگوهای فرهنگی جدیدی بودند، قلمدان ظاهراً به گذشته ارجاع می‌داد و کارکرد نمادین و استعاره‌ای خود را تا حد زیادی از دست داده بود و بازار آن روبه افول گذارده بود و رفته‌رفته ساخت قلمدان‌های لاک‌ی از رونق افتاد، چراکه به قول بوردیو «طرز بیان هر محصول فرهنگی همیشه تابع بازاری است که در آن عرضه می‌شود» (بوردیو، ۱۳۹۰: ۱۸).

نباید از نظر دور داشت که در نظام هنری سنتی ایران، میراث هنرمندان و صنعتگران به‌صورت شاگرد - استادی و به‌ویژه به‌صورت فامیلی دنبال می‌شد، بنابراین افول چرخه اقتصادی و اعتباری این صنعت/هنر تأثیر مهمی در رونق قلمدان‌سازی گذاشت، در واقع با رکود بازار این هنر بسیاری از فرزندان هنرمندان از این هنر دست کشیدند و سراغ کار دیگر رفتند. کما اینکه در رونق این صنعت/هنر همواره می‌توان به سلاله‌ای از فرزندان و نوادگان هنرمندانی چون محمد زمان یا نسل پربار فرزندان نجفعلی یا آقا نجف اشاره کرد که نقش مهمی که در انتقال سنت نقاشی لاک‌ی در اصفهان داشتند ولیکن با افول رونق قلمدان نگاری، به‌تدریج نوادگان ایشان در اواخر قاجار جایگاه اجتماعی خود را از دست دادند (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: کریم زاده تبریزی: ۱۳۶۹؛ خلیلی، ۱۳۸۶: ۲۲۱) به‌طوری‌که از نوه آقا نجف به نام عبدالحسین صنیع همایون (وفات ۱۳۴۰ قمری / ۱۹۲۲ میلادی / ۱۳۰۱ شمسی) به‌عنوان آخرین قلمدان‌ساز مکتب قاجار نام می‌برند (سپهرم، ۱۳۴۴: ۲۵) که هم‌زمان شاهد افول این هنر نیز بود. او با اینکه لقب صنیع همایون را از مظفرالدین شاه دریافت کرده بود (مهدوی، ۱۳۸۷: ۱۶۹) ولی برخلاف اسلافش آن‌گونه که باید جایگاهش و اعتبار هنرش درک نشد. همایی درباره وی می‌نویسد «مرحوم صنیع همایون قلمدان‌های عالی می‌ساخت و تقدیم حکام و اکابر رجال می‌کرد و از طریق انعامی که بدو داده می‌شد، معیشتی فقیرانه و آبرومندانه داشت» (همایی، ۱۳۷۵: ۲۳۶). به تدریج بازار کم رونق قلمدان باعث شد تا این هنر هم به‌مانند بسیاری از پیشه‌های سنتی که انتقال از پدر به پسر داشت افول کند و در فقدان نظام آکادمیک هنرآموزی رفته‌رفته کم رونق شود.

با وجود این قلمدان همچنان در زیست فرهنگی ایرانیان معنا داشت، برای نمونه تا اوایل دوران پهلوی قلمدان بخشی از مراسم عروسی به‌شمار می‌رفت و از جمله خلعتی‌هایی که

خانواده عروس برای داماد در نظر می گرفتند. «یک قلمدان با چند نی قلم، جلد قلمدان را خودشان می دوختند و آن را ترمه یا مخمل می گرفتند و ترمه سنگین تر بود. بعضی دور جلد قلمدان را سرمه دوزی می کردند» (کتیرایی، ۱۳۷۸: ۱۹۷). به این معنی که بسته به جایگاه و توان مالی هر شخصی، کیفیت و نفاست متعلقات همراهش نیز بیشتر بود. هر چند به ندرت قلمدان‌های نفیس ساخته می شود، در این دوران کمتر به نقاشی روی قلمدان می پرداختند در عوض با چسباندن عکس روی قلمدان و لاک اندود کردن آن قلمدان‌های ارزان قیمت را تولید و روانه بازار می کردند. جعفر شهری در تاریخ تهران آخرین قلمدان‌های بازار را «قلمدان پهلوی» می داند که عکس رضاشاه روی آن چسبانده شده بود و لوازم التحریر فروشان برای اطفال دبستان می آوردند (شهری، ۱۳۸۳: ۶۹). تفاوت بین قلمدان ساخته شده برای «اطفال دبستان» در دوران پهلوی تا «رجال» و «اشراف» و «باسوادان» قاجاری می تواند آشکارا سیر تحول این شیء را نشان دهد.

## ۷. نتیجه گیری

شیوه استفاده و ارتباط برقرار کردن اقشار مختلف اجتماعی با یک محصول یا شیء تا حد زیادی با شرایط وجودی اجتماعی مخاطبان ربط پیدا می کند، در نتیجه با توجه به شرایط گوناگون اجتماعی که شکل می گیرد نحوه مواجهه با اشیاء و دیگر محصولات نیز تغییر می کند. به این معنی که شیء در دوره زمانی و شرایط فرهنگی و اجتماعی خاصی دربرگیرنده معانی ضمنی گوناگونی می شود و گاه با هویت کاربران خود گره می خورد. در این صورت فراتر از وجه کاربردی دارای کارکردهای متفاوتی می شود که از جمله آن‌ها نشان دادن حریم‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است. قلمدان به عنوان یکی از مهم ترین اشیای هنری در دوران قاجار، از سویی ابزاری برای نگهداری ادوات نگارش و از سوی دیگر بخشی از یک نظام نمادین فرهنگی بود که با شیوه زیست اجتماعی مردم ایران و به خصوص طبقه باسواد پیوند می خورد. در این میان سبک زندگی اجتماعی مردان ایرانی به ویژه پوشش آن‌ها تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه نقش مهمی در رونق قلمدان سازی و قلمدان نگاری داشت چرا که گذاشتن قلمدان در شال کمر نشانی از قشر اجتماعی باسوادان بود، به طوری که قشر میرزا را می شد از قلمدانی که به کمر بسته بودند در جامعه بازشناخت. سوای این قلمدان در سپهر سیاسی ایرانی قاجار نیز با مقام صدارت پیوند می خورد و جز هدایای مهم سلطنتی به حساب می آمد. از این رو قلمدان را می توان فراتر از یک شیء معمولی، در تنیده با بخشی از



جامعه ایران قاجار راوی سبک زندگی، گرایش‌های زیبایی‌شناختی و بخشی از باورهای فرهنگی مردم قاجار به حساب آورد. این همان چیزی است که قلمدان را از دیگر آثار لاکه که در آن دوران ساخته می‌شد متمایز می‌کرد چراکه صرفاً برای زیبایی و تزیین و تفاخر طبقاتی به کار نمی‌رفت و از خلال آن می‌شود بخشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران را روایت کرد، اینکه چگونه یک شی با سبک زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی پیوند می‌خورد.

قلمدان به واسطه نقشی که در متن اجتماعی و فرهنگ دوران قاجار بازی می‌کرد به متن زندگی مخاطبان خود معنا می‌داد و در یک ارتباط دوسویه برای خود معنا و جایگاه می‌ساخت؛ اما با تغییر سپهر فرهنگی که از اواخر دوران قاجار روی داد به تدریج سبک زندگی مردم و الگوهای مصرف ایشان نیز تغییر کرد. از این دوران به بعد قلمدان جایگاه و مفاهیم نمادین پیشین خود را از دست داد و دیگر واجد آن نقش نمادین قبلی نبود. با افول توجه به قلمدان، نظام سنتی استاد و شاگردی که نقش مهمی در تداوم صنایع و پیشه‌های سنتی داشت نیز به تدریج رنگ باخت و همین باعث شد با رکود بازار این هنر بسیاری از فرزندان هنرمندان دیگر به پیشه سنتی قلمدان سازی و قلمدان نگاری نپردازند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. جواهر فروش و سیاح فرانسوی
۲. شرق‌شناس انگلیسی
۳. فرزند ناصرالدین‌شاه و حاکم اصفهان
۴. دوستعلی خان معیرالممالک (۱۳۴۵ - ۱۲۵۳ هجری شمسی) فرزند دختر ناصرالدین‌شاه.
۵. به احتمال قوی محمدحسن افشار.
۶. وی ملقب به امین‌الدوله سد و در زمان مظفرالدین شاه بعد از خلع اتابک به مقام صدراعظمی رسید.
۷. در واقع بعد از وی قلمدان صدارت به امین‌الدوله رسید، همان کسی که اعتماد السلطنه از او به نام میرزا علی‌خان منشی حضور و قلمدان دار ناصرالدین‌شاه نام می‌برد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۸۸۲).
۸. چنانچه کوپیتکوف بیان می‌کند «زمانی مرگ شیء واقعی است یعنی به تمامی نابود می‌شود و زمانی مرگ شیء نمادین است یعنی شیء ارزش مبادله‌ای و کالایی‌اش را از دست می‌دهد؛ و زمانی دیگر، شیء پس از مرگ موقتی و در قالب عتیقه‌جات برمی‌گردد و ارزشی متفاوت پیدا می‌کند» (کوپیتکوف به نقل از کاظمی، ۱۳۹۶: ۳۶)

۹. البته نباید از نظر دور داشت که قلم‌های فلزی از زمان ناصرالدین‌شاه در بازار فروخته می‌شود، قلم فلزی از دوران ناصرالدین‌شاه به ایران وارد می‌شد و ظاهراً در مقطعی از کیفیت خوبی هم برخوردار بودند، قهرمان میرزا می‌نویسد در مقایسه آن‌ها با قلم‌های ایرانی می‌نویسد «قلم‌های آهنی هم مثل قلم‌های رسمی خودمان شده بلکه چند درجه بدتر از سابق. از قلم آهن هر دانه‌اش دو ماه به‌خوبی کار می‌کرد و حالا دو روز بیش می‌شود با آن‌ها نوشت» (سالور، ۱۳۷۴: ۱/۲۴۴) ولی برای آن‌ها که به ارزش خط می‌اندیشیدند کیفیت نداشت. یکی از این قلم‌ها معروف به قلم بلور بود که قهرمان میرزا از تجربه کار با آن می‌نویسد «این قلم‌ها را تازه از فرنگ آورده‌اند. دانه‌ای پنج شاهی می‌فروشد. بلور ترک ترکی است. کوچک چیز پوچی است. برای شکستن و پول بی‌مصرف بی‌معنی خرج کردن خوب است» (همان: ۲۹۵)

### شیوه‌ارجاع به این مقاله

معین‌الدینی، محمد. (۱۴۰۲). جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار. *تحقیقات تاریخ اجتماعی* (1) 13, doi: 10.30465/shc.2023.42195.2388

### کتاب‌نامه

- آزاد، یعقوب. (۱۳۹۵). نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- احسانی، محمدتقی. (۱۳۶۸). جلدها و قلمدان‌های ایرانی. تهران: امیرکبیر.
- اسمیت، رابرت مرداک. (۱۴۰۰). هنر ایران. ترجمه: کیانوش معتقدی. تهران: خط و طرح.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. به کوشش: ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۹۳). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی. جلد ۳. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرآه البلدان. به کوشش: محمدحسین نوایی، میر هاشم محدث. جلد ۲ و ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه. تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار. ترجمه: محمد طاهر میرزا. به کوشش: غلامرضا پرهام. تهران: اطلاعات.
- بصیرالملک شیبانی (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی. به کوشش: ایرج افشار و محمد رسول دریاکشت. تهران: دنیای کتاب.

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۳۷

- بنجامین، س.ج؛ و (۱۳۶۹). ایران و ایرانیان. سفرنامه بنجامین نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران. ترجمه: محمدحسین کردبیچه. تهران: جاویدان.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰). تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: ثالث.
- بی‌نام. (۱۳۶۳). گزارش ایران. به سال ۱۳۰۵ ق / ۱۸۸۷ م. از یک سیاح روس. ترجمه: سید عبدالله. به اهتمام: محمدرضا نصیری. تهران: طهوری.
- پاکباز، روئین (۱۳۹۰). دایرة المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
- پنجه باشی، الهه؛ امانی راد، فاطمه (۱۴۰۰). «بررسی اجتماعی حضور زنان در قلمدان‌های قاجاری در مجموعه ناصر خلیلی». مجله جلوه هنر. سال ۱۳. شماره ۵، پیاپی ۳۰. ص ۳۲ - ۱۸.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان. ترجمه: کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- جانب الهی، محمد سعید (۱۳۹۹). «سرداری» در وب‌سایت مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. بازیابی در ۳۰ آذر ۱۴۰۰ از <https://cgie.org.ir/fa/article/257619/> سرداری
- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد (۱۳۵۹)، جهانگیر نامه. توزک جهانگیری. به کوشش: محمد هاشم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی (۱۳۶۶). تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی. به کوشش: احسان اشراقی. تهران: انتشارات علمی.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۶). کارهای لاک، جلد هشتم از مجموعه هنر اسلامی. ویراستار: جولیان رابی. ترجمه: سودابه رفیعی سخایی. تهران: کارنگ.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه: علی محمد فره‌وشی. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- دوانی، علی (۱۳۸۶). هزاره شیخ طوسی: مقاله تا و خطابه‌هایی به مناسبت هزارمین سال ولادت شیخ طوسی. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
- دیوان‌بیگی، حسین بن رضا علی (۱۳۸۲). خاطرات دیوان‌بیگی. به کوشش: ایرج افشار؛ محمدرسول دریاگشت. تهران: اساطیر.
- رایسنسون، بی (۱۳۸۶). «نقاشی لاک در عهد قاجار». ترجمه: اردشیر اشراقی. گلستان هنر، شماره ۹. ۱۰۱ - ۱۱۰.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۶) تاریخ اجتماعی ایران بخش ۱. جلد ۴. تهران: نگاه.
- روش‌شوار، ژولین دو (۱۳۷۸). خاطرات سفر ایران. ترجمه: مه‌ران توکلی. تهران: نی.
- سالک، معصومه (۱۳۷۵). «مقدمه» در: تذکره المعاصرین. محمدعلی بن ابی‌طالب حزین لاهیجی. جلد اول. تهران: سایه.

۳۳۸ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- سالور، قهرمان میرزا (آ ۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه، روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه. به کوشش: مسعود سالور ایرج افشار. جلد اول. تهران: اساطیر.
- سالور، قهرمان میرزا (ب ۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین السلطنه، روزگار پادشاهی مظفرالدین شاه. به کوشش: مسعود سالور ایرج افشار. جلد دوم. تهران: اساطیر.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۶). روزنامه خاطرات عین السلطنه، روزگار پادشاهی محمدعلی شاه و انقلاب مشروطه. به کوشش: مسعود سالور - ایرج افشار. جلد سوم. تهران: اساطیر.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۸). روزنامه خاطرات عین السلطنه، روزگار پادشاهی احمدشاه قاجار از دولت عین الدوله تا کودتا. به کوشش: مسعود سالور - ایرج افشار. جلد هفتم. تهران: اساطیر.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۸۰). روزنامه خاطرات عین السلطنه، روزگار پادشاهی پهلوی ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۴. به کوشش: مسعود سالور - ایرج افشار. جلد دهم. تهران: اساطیر.
- سپهرم، امیر مسعود (۱۳۴۴). «آقا نجف اصفهانی قلمدان ساز». هنر و مردم. شماره ۳۱. ص ۲۵.
- سرابی، حسین بن عبدالله (۱۳۷۳). سفرنامه فرخ خان امین الدوله، مخزن الوقایع. تهران: اساطیر. به کوشش کریم اصفهانیان، قدرت الله روشنی. تهران: اساطیر.
- سعدوندیان، سیروس؛ اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۶۸). آمار دارالخلافه تهران (اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار). تهران: نشر تاریخ ایران.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۷۶) وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری. تهران: پیکان.
- شاردن، ژان (۱۳۳۵ الف)، سیاحت نامه شاردن. ترجمه: محمد عباسی. جلد سوم. تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶ ب)، سیاحت نامه شاردن. ترجمه: محمد عباسی. جلد چهارم. تهران: امیرکبیر.
- شایسته فر، مهناز؛ شایسته فر، زهره؛ خزائی، رضوان (۱۳۹۱). «بررسی اجتماعی حضور زنان در قلمدان های قاجاری در مجموعه ناصر خلیلی». مجله زن در فرهنگ و هنر. دوره ۴. شماره ۱. ص ۱۴۸ - ۱۲۷.
- شریف رازی، محمد (۱۳۳۲). آثار الحججه. جلد اول. قم: برقی.
- شهری، جعفر (۱۳۷۶). طهران قدیم، جلد دوم، تهران: معین.
- شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۳) تاریخ تشکیلات در اسلام. قم. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- علوی شیرازی، میرزا محمدهادی (۱۳۶۳). سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه. به کوشش: محمد گلبن. تهران: دنیای کتاب.
- فوریه، ژوانس (۱۳۲۵) سه سال در دربار ایران. ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- کازما، آکی نو (۱۳۸۰). سفرنامه کازما. ترجمه: هاشم رجبزاده. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کن بای، شیلا (۱۳۸۲). نقاشی ایرانی. ترجمه: مهدی حسینی. تهران: دانشگاه هنر.

## جایگاه و نقش نمادین قلمدان در بستر تاریخ اجتماعی قاجار (محمد معین‌الدینی) ۳۳۹

- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*. تاریخ قاجاریه. به اهتمام: جمشید کیانفر. جلد سوم. تهران: اساطیر.
- لعل شاطری، مصطفی؛ جعفری دهکردی، ناهید (۱۳۹۵). «تأثیر فعالیت میسیونرهای مسیحی بر مصورسازی قلمدان‌های عصر ناصری». *نشریه نگارینه هنر اسلامی*. شماره ۱۱. ص ۶۱-۴۶.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۶). *امر روزمره در جامعه پسا انقلابی*. تهران: فرهنگ جاوید.
- کتیرایی، محمود (۱۳۷۸). *از خشت تا خشت*. تهران: ثالث.
- کریستین سن، آرتور امانویل (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان: تاریخ ایران ساسانی تا حمله عرب وضع دولت و ملت در زمان ساسانیان*. ترجمه: رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۹). *قلمدان و سایر صنایع روغنی ایران*. لندن: ناشر مؤلف.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۳). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی*. جلد اول. لندن: ناشر مؤلف.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی*. جلد دوم. لندن: ناشر مؤلف.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳). *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*. ترجمه: هاشم رجب‌زاده. تهران: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ملکم، سرجان (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. مترجم: اسماعیل بن محمدعلی حیرت. به کوشش: علی نهایندی. مصحح: مهدیه قمی نژاد. جلد اول. تهران: افسون.
- مستوفی، عبدا... (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. جلد ۱. تهران: زوار.
- معیرالممالک، دوستعلی (۱۳۳۶). «رجال عهد ناصری». *یغما*. شماره ۱۰۸، تیر. صص ۱۷۵-۱۶۸.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۷). *اعلام اصفهان*. جلد ۴. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نقیسی، نوشین (۱۳۵۲). «میرزا محمدهادی طراح گل‌ها و پرنده تا». *هنر و مردم*. شماره ۱۲۹ و ۱۳۰. ص ۳۳-۳۴.
- ویلز، جیمز چارلز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش*. ترجمه: غلامحسین قراگوزلو. تهران: اقبال.
- همایی شیرازی اصفهانی، جلال‌الدین (۱۳۷۵). *تاریخ اصفهان*. مجلد هنر و هنرمندان. به کوشش: ماهدخت بانو همایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

N.D. Khalili, B.W. Robinson & T. Stanley, *Lacquer of the Islamic Lands*, The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art, volume XXII, Part One, London 1996, cat.17, pp.42-3. J.M. Rogers, *The Arts of Islam. Masterpieces from the Khalili Collection*, London 2010, cat.465, pp.382-3.

Roxburgh. David J, McWilliams, Mary. (2017). *Technologies of the Image. Art in 19th-Century Iran*. Cambridge, MA – New Haven, CT: Harvard Art Museums / Yale University Press.